

په نامه خاوند بخش نده مه ريان

په نامه خاوند بخش نده مه ريان



جلسه دوم

بررسی سطح منطقه ای دستاوردهای انقلاب اسلامی

در این جلسه بحثی راجع به دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی خواهیم داشت. در جلسه قبل بیان شد که ما می‌توانیم در چهار سطح دستاوردهای انقلاب اسلامی را تبیین کنیم.

سطح منطقه‌ای:

انقلاب اسلامی در سطح منطقه دستاوردهای عظیمی داشت:

بازتعریف منطقه: منطقه ما را خاورمیانه می‌نامیدند و خاورمیانه کلمه‌ای استعماری است یعنی اروپا مرکز است و بقیه مناطق نسبت به مرکزیت اروپا سنجیده می‌شوند مثل خاورمیانه، خاور دور، خاور نزدیک، باختر و...

انقلاب اسلامی مجدداً واژه‌ی جهان اسلام را مطرح کرد که در آن مرکزیت و محوریت از لحاظ فرهنگی و جغرافیایی با جهان اسلام است، در دوران قبل از وستفالیای جهان اسلام مرکز دنیا بود بنابراین عنوان جهان اسلام با انقلاب اسلامی احیا شد و مطرح گردید و این دستاورد مهمی است و اخیراً در تحول علوم سیاسی دنیا را به پنج منطقه تقسیم کردیم: جهان اسلام، جهان غرب، جهان شرق، آفریقای جنوب صحرا و آمریکای لاتین یعنی کل دنیا را به پنج

منطقه بزرگ فرهنگی تقسیم کرده ایم و این اولین دستاوردی بود که انقلاب اسلامی ارائه داد. در جهان اسلام نیز بعد از انقلاب اسلامی جهان تشیع مطرح شد و ایران اسلامی نیز در محوریت و مرکزیت جهان اسلام قرار گرفت و کیسینجر می گوید: heart land یعنی قلب جهان اسلام الآن ایران اسلامی است و بعد جهان تشیع قرار دارد، در کتاب ژئوپلتیک شیعه که فردی فرانسوی به نام فرانسوا توال می گوید: جهان تشیع دارای استراتژیک ترین موقعیت هم از لحاظ منابع زیر زمینی و هم از لحاظ موقعیت جغرافیایی در جهان اسلام است جهان تشیع اگر چه از لحاظ نفرات ضعیف تر و کمتر هستند ولی از لحاظ موقعیت دارای موقعیت قوی تری هستند.

انقلاب اسلامی هم برای جهان تشیع به طور خاص و هم برای کل جهان اسلام بطور عام دستاورد ویژه ای داشت.

دستاورد های انقلاب اسلامی برای جهان تشیع:

انقلاب اسلامی برای جهان تشیع چهار دستاورد داشت:

۱- خروج از حاشیه و ورود به مرکز: شیعیان قبل از انقلاب اسلامی به دو دلیل نقش حاشیه ای داشتند:

الف) تعداد نفرات آنها بسیار اندک بود و تقریباً بین ۱۰ تا ۱۲ درصد جمعیت مسلمانان شیعه بودند.
 ب) نظریه تقیه در جهان تشیع غالب بود. در نتیجه نقشی در سیاست جهانی نداشتند.
 با انقلاب اسلامی امام هم تقیه را تحریم کرد و دیگر اینکه انقلاب اسلامی یک انقلاب شیعی بود و شیعیان این انقلاب را انجام دادند بنابراین شیعیان را مجدداً به مرکز آورد و نمونه های برجسته آن مقاومت و حزب الله لبنان است.

۲- **گرایش بیشتر به شیعه:** قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر افرادی که به اسلام گرایش داشتند به اسلام وهابی می‌گرویدند زیرا با میزان پولی که دار این‌ها در دنیا هزینه می‌کردند ما هیچ جایگاهی نداشتیم، اما بعد از انقلاب همه می‌خواهند بیشتر در مورد شیعه بدانند و گروه گروه وارد مکتب تشیع شده‌اند به عنوان مثال در نیجریه طلبه‌ای به نام زاک زاکی میلیون‌ها نفر را وارد مکتب شیعه نمود و لذا گرایش به شیعه فوق العاده افزایش یافت.

۳- **جهانی شدن گفتمان شیعه:** یعنی گفتمان شهادت، عدالت، جهاد، مردم‌سالاری و... جهانی شد و امروز حتی آقای اوباما هم از عدالت صحبت می‌کند و لفظ جهاد وارد ادبیات غرب شده است و این نشان دهنده جهانی شدن گفتمان شیعه است.

۴- **خروج از حالت محافظه‌کاری و دست یافتن به روحیه انقلابی:** افرادی که قبل و بعد از انقلاب به لبنان مسافرت نموده باشند می‌دانند که قبل از انقلاب شیعیان نه تنها بسیار محافظه‌کار و محروم بودند بلکه آن‌ها را به عنوان جاسوسی برای اسرائیل متهم می‌کردند که به همین خاطر امام موسی صدر حرکت المحرومین را برای شیعیان ایجاد کرد، اما بعد از انقلاب شیعیان تبدیل به بمب‌های آتشی شدند که طی مدت ۲ سال پنج قدرت بزرگ جهانی را وادار به فرار از لبنان نمودند، یعنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۸۲، آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و اسرائیل، لبنان را اشغال نموده بودند و شیعیان با کامیون‌های مواد منفجره و عملیات استشهادی همه‌ی آن‌ها را وادار به فرار از لبنان نمودند و در سال‌های بعد نیز در نبرد سی و سه روزه و سال ۲۰۰۰ مشاهده می‌کنیم که چگونه از حزب الله شکست خوردند.

بنابراین انقلاب اسلامی دستاورد عظیمی برای جهان تشیع داشت.

دستاوردهای انقلاب اسلامی برای جهان اسلام:

انقلاب اسلامی برای کل جهان اسلام سه دستاورد عظیم داشت:

۱- بازگشت به خویشتن خویش: هم خواص و هم مردم و توده‌های مسلمان قبل از انقلاب از خود بیگانه بودند و مساجد از مسلمین خالی شده بود و همه با سرعت به سمت غرب پیش می‌رفتند و حتی اندیشمندان اسلامی مانند طاها حسین و... سعی می‌کردند خود را با معیارهای غربی تطبیق دهند و در کشور مانیز اینگونه بود و اگر کار خوبی انجام می‌شد مثل پیاده شدن انسان در کره ماه، می‌گفتند این کار خوبی که در غرب در حال انجام است در قرآن در سوره الرحمن پیشبینی شده است؛ یعنی در حقیقت ما مؤید پیشرفت‌های غربی و آقایی آن‌ها بر دنیا بودیم و انقلاب اسلامی ما را به هویت خود برگرداند.

۲- ظهور نهضت‌های آزادی‌بخش: قبل از انقلاب در جهان اسلام نهضت‌های آزادی‌بخش یا ناسیونالیست بودند مانند پان عربیسم، پان ترکیسم، پان ایرانیسم و... یا سوسیالیست بودند که معیارهای کمونیستی را در پیش گرفته بودند مانند جنبش‌های سوسیالیستی بعث و... و یا لیبرال بودند، ممکن است پرسیده شود اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۰ میلادی بوجود آمد و جزء هیچ یک از این گروه‌ها نبود؟ در پاسخ باید گفت که اخوانی‌ها در اساسنامه‌شان گفتند که ما به دنبال آزادی‌بخشی نیستیم ما به دنبال اصلاح و نصیحت هستیم، ما آمده‌ایم که سران ممالک خود را نصیحت کنیم که مسلمان باشید و به همین دلیل نیز با حکومت‌های مختلفی که در این دوران بودند سازش کردند و به مجلس رفتند و مؤید حسنی مبارک و امثال او بودند ولی بعد از انقلاب اسلامی نهضت‌های آزادی‌بخش ایجاد شد و نهضت‌های غیر اسلامی به تاریخ سپرده شد و بایگانی گردید به عنوان مثال در سازمان آزادی‌بخش فلسطین ۱۷ نهاد نهضت آزادی‌بخش وجود داشت که بلا استثناء یا ناسیونالیست بودند و یا سوسیالیست و کمونیست بودند، حماس و جهاد اسلامی و حزب الله مولود انقلاب هستند هر سه این

نهضت‌ها بعد از انقلاب اسلامی بوجود آمدند و امروز توانسته‌اند عرصه را بر اسرائیل تنگ کنند. بنابراین از این لحاظ نهضت‌های آزادی بخش اسلامی هم دستاورد انقلاب اسلامی است.

۳- بیداری اسلامی: بیداری اسلامی که از سه سال پیش شروع شده است یکی از دستاوردهای انقلاب است، اگر چه غربی‌ها سعی می‌کنند عنوان بیداری عربی یا بهار عربی برای آن بکار ببرند اما ما دلایل زیادی بر الگوبرداری این قیام‌ها از انقلاب اسلامی ارائه خواهیم داد.

الگوبرداری سایر کشورهای اسلامی از انقلاب اسلامی:

۱- همه این‌ها جنبش‌های توده‌ای و مردمی هستند، این‌ها انقلاب‌های طبقاتی نیستند مانند انقلاب فرانسه که انقلاب بورژوازی بود و تنها انقلاب توده‌ها انقلاب اسلامی بود و همه‌ی توده‌ها در آن نقش داشتند، و این حرکت‌ها هم حرکت‌های توده‌ای و مردمی است.

۲- نقش برجسته‌ی جوانان، در همه این جنبش‌های اسلامی از آن زمانی که آن دانشجوی در تونس خودکشی کرد تا ادامه ماجرا جوانان نقش داشتند و پیرها نقشی نداشتند و حضوری نداشتند.

۳- مشارکت فعال زنان؛ انقلاب اسلامی بود که زنان را وارد صحنه سیاست و جنبش‌های آزادی بخش نمود و قبل از آن ما در غرب و در شرق و جهان اسلام شاهد چنین پدیده‌ای نبودیم.

۴- غیرمسلحانه بودن حرکت؛ انقلاب اسلامی اولین انقلابی بود که با دست خالی وارد صحنه شد و بدون به کار بردن سلاح توانست به نتیجه برسد و شما می‌بینید که در این حرکت‌ها

کشته می‌شوند و کتک می‌خورند اما دست به اسلحه نمی‌برند؛ تنها در لیبی استثنائی بوجود آمد که به دلیل دخالت ناتو بود اگر ناتو دخالت نکرده بود آنها نیز دست به اسلحه نمی‌بردند.

۵- برخورد برادرانه با نیروهای مسلح، امام می‌فرمود آنها شما را با گلوله می‌زنند شما به آنها گل بدهید آنها برادران شما هستند و عین این ماجرا در این حرکتها بوجود آمد.

۶- ضدیت با نظام سلطه، همه این حرکات با نظام سلطه مقابله کردند یعنی تنها خواستار سقوط نظام نبودند بلکه رفع سلطه نظام‌های جهانی را نیز می‌خواستند و مثلاً در مصر سفارتخانه‌های آمریکا و اسرائیل اشغال شد.

۷- اتفاق نظر در سقوط نظام، شعار همه این حرکاتها این بود "الشَّعْبُ يُرِيدُ إِسْقَاطَ النِّظَامِ" و یک شعار نان، مسکن، آزادی داده نشد! آن هم در کشورهایی که در فقر هستند.

۸- بهره‌برداری از نمادهای مذهبی، همه این تظاهرات به نمازهای جمعه و جماعات ختم می‌شد و سربندهای الله اکبر، لاله الا الله، محمد رسول الله و... و حتی یک عکس جمال عبدالناصر در همه این تظاهرات وجود نداشت در حالی که وی زمانی از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بود.

۹- مقابله با هر نوع مانع فکری و مذهبی؛ برای ما تقیه مانع بود و آن را از سر راه برداشتیم، برای اهل سنت هم تعریف غلطی که از اولوالامر داشتند؛ آنها معتقد بودند هر کس که حاکم است و جزء مسلمانان باشد باید از وی اطاعت کرد حتی اگر هم ظالم باشد، و ملاحظه شد که آنها این مانع را برداشتند و با لنگه کفش به عکس حسنی مبارک حمله می‌کردند.

۱۰- از آخرین فناوری ارتباطات هم بهره بردند؛ انقلاب اسلامی معروف است به انقلاب کاست، و به قول بارنارد لوییس اولین انقلاب الکترونیک انقلاب ایران بود، در این انقلابها هم گفتند که اینها انقلابهای تویتری و فیسبوکی هستند.

۱۱- عدم سازش و مخالفت با سازش کار، هیچ کدام حاضر نشدند با نظام سلطه برسر یک میز بنشینند و سازش کنند چون شعارشان سقوط نظام بود.

تفاوت‌های بیداری اسلامی با انقلاب اسلامی:

این انقلابها تنها در دو مورد با انقلاب اسلامی اختلاف داشتند:

۱- رهبری در انقلاب اسلامی فرسنگ‌ها از مردم جلوتر بود و ما درحقیقت باید بدویم تا به گرد امام برسیم امام از سال ۴۲ شروع کرد و ما ۱۵ سال به دنبال امام دویدیم، در این انقلابها رهبران فرسنگ‌ها از مردم عقب‌تر بودند و همین مسأله منجر به سقوط آنها گردید و امثال اخوان المسلمین نتوانستند خواست مردم را بفهمند.

۲- ما الگویی برای انقلاب نداشتیم و الگوساز بودیم اما آنها الگو داشتند، یکی از دانشجویان پرسیده است که چرا بعد از سی سال انقلاب اسلامی نتیجه داد و به این انقلابها منجر شد؟ پاسخ این سؤال را فهری هویدی می‌دهد، وی می‌گوید: ما شاهد و ناظر جنگ مستمر و دایمی شما با استکبار بودیم و دیدیم که شما در جنگ سخت پیروز شدید و تصور می‌کردیم که حتماً در جنگ نرم شکست خواهید خورد، به خصوص در فتنه ۸۸ یقین داشتیم که شما شکست خواهید خورد و انقلاب تمام خواهد شد اما وقتی

دیدیم شما در این جنگ نرم همه جانبه نیز پیروز شدید با خود گفتیم این راه درست است و ما نیز می‌توانیم و بعد از این پیروزی بود که بیداری اسلامی به عنوان یک راه درست و صحیح انقلاب شروع شد.

آنچه اهمیت دارد این است که باید بدانیم که این حرکت‌ها بیداری اسلامی بود و هست اما انقلاب نبود چون انقلاب دارای سه رکن است: رکن رهبری، رکن مردم و رکن مکتب. اما این‌ها حداقل در رکن رهبری و مکتب دارای مشکلاتی بودند، فهری هویدی می‌گفت تفاوت انقلاب ما با انقلاب شما در این است که شما هم می‌دانستید چه چیزی نمی‌خواهید و هم می‌دانستید که چه چیزی می‌خواهید - یعنی در شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، خواست ما جمهوری اسلامی بود - ولی ما در این انقلاب‌هایمان می‌دانستیم چه چیزی نمی‌خواهیم اما واقعاً نمی‌دانستیم چه چیزی می‌خواهیم.

به این جنبش شورش می‌گویند و آن را انقلاب نمی‌دانند و در علم سیاست به عنوان شورش تلقی می‌شود و شورش معمولاً به یکی از سه تحول دیگر تبدیل می‌شود؛ الف) یا تبدیل به کودتا می‌شود که در مصر این اتفاق افتاد. ب) یا تبدیل به رفورم می‌شود که در تونس اتفاق افتاد. ج) یا تبدیل به انقلاب خواهد شد.

بنابراین انتظار و توقع نداشته باشیم که بیداری اسلامی به سرعت به پیروزی و انقلاب برسد. این مجموعه دستاوردی است که انقلاب اسلامی برای جهان اسلام در سطح منطقه داشته است.